

کتابخانه‌واره → مقالی فخریان

خواب‌های دنباله‌دار

این ستون قرار است به ارزشگذاری فیلم‌های روی پرده بپردازد. در این ستون از منتقدان سینمایی می‌خواهیم به فیلم مورد نظر بر اساس جدول ارزشگذاری ستاره بدهند. این امتیازها همه بخش‌های فیلم از جمله کارگردانی، فیلمنامه، بازیگری و فنی را دربرمی‌گیرد.



ضعیف ● → **سعید قطبی:زاده**

عالی:

★★★★

خیلی خوب:

★★★

خوب:

★★

متوسط:

★

ضعیف:

کارگردان:

پوران درخشنده

نویسنده:

پوران درخشنده

محمود آیدن

بازیگران:

اینتا بهرام

علیرضا خمسه

مهران احمدی

فرشته صدرعرفایی

آرمیتا مرادی...

خلاصه داستان:

کابوس شبانه ریحانه

صبح روز بعد با نیلمدن خانم معلم سر کلاس

آرام آرام به واقعیت تبدیل می‌شود.

ضعیف ● → **سعید قطبی:زاده**

عالی:

★★★★

خیلی خوب:

★★★

خوب:

★★

متوسط:

★

ضعیف:

کارگردان:

پوران درخشنده

نویسنده:

پوران درخشنده

محمود آیدن

بازیگران:

اینتا بهرام

علیرضا خمسه

مهران احمدی

فرشته صدرعرفایی

آرمیتا مرادی...

خلاصه داستان:

کابوس شبانه ریحانه

صبح روز بعد با نیلمدن خانم معلم سر کلاس

آرام آرام به واقعیت تبدیل می‌شود.

نگاه مصنوعی به واقعیت

کارگردانی: کارنامه کارگردان نشان می‌دهد که طی این سال‌ها سیر نزولی داشته، حتی می‌توان گفت هنوز دو فیلم اول او دیدنی‌تر از کارهای جدید هستند.

هدف کارگردان آموزش دادن در سینماست و به این دلیل خیلی وقت‌ها از درام و قصه و شخصیت‌پردازی دور می‌شود. نگاه خیلی مصنوعی به وقایع پیرامون باعث می‌شود عملاً فیلم از واقعیت‌های اجتماعی دور شود. حتی قصه‌های ملودرام عاشقانه بین دو شخصیت زن داستان(معلم و شاگرد)در یک بستر خشن روایت می‌شود. ارتباط صدر عرفایی با شاگرد معلول بیشتر شبیه آیت‌های کوتاه برنامه کودک است تا یک فیلم بلند سینمایی. در این مجموعه حتی اگر از بازیگران حرفه‌ای، فیلمبردار قوی و موسیقیدان خوب هم استفاده شود باز در کل کار دیده نمی‌شود. در مجموع چون فیلم ضعیف است نمی‌توان درباره آن به صورت جزیی‌تر توضیحی داد.

متوسط ★ → **امیرحسین علم‌الهدی**

عالی:

★★★★

خیلی خوب:

★★★

خوب:

★★

متوسط:

★

ضعیف:

کارگردان:

پوران درخشنده

نویسنده:

پوران درخشنده

محمود آیدن

بازیگران:

اینتا بهرام

علیرضا خمسه

مهران احمدی

فرشته صدرعرفایی

آرمیتا مرادی...

خلاصه داستان:

کابوس شبانه ریحانه

صبح روز بعد با نیلمدن خانم معلم سر کلاس

آرام آرام به واقعیت تبدیل می‌شود.

دغدغه‌های تکراری

کارگردانی: در این فیلم نویسنده و تهیه‌کننده و کارگردان خود خانم درخشنده است، بنابراین می‌توان به همه اینها یکجا امتیاز داد و این امتیاز متوسط رو به ضعیف است. به نظر من بهترین بخش این فیلم وجود همان دغدغه‌هایی است که خانم درخشنده از سال ۶۰ درگیر آن است اما متأسفانه همراه این دغدغه‌ها که هنوز ادامه دارد تکنیک فیلمسازی او رشد نکرده و همچنان در دهه ۶۰ مانده و باید تجدید نظری در این مورد انجام دهند. این دغدغه‌ها باید با ابزار دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شمسی یا ۲۰۱۰ میلادی پیشرفت کند تا بتواند مخاطب را جذب کند. **بازیگری:** بازی‌ها هم خوب نیست و متوسط رو به پایین است.

کیلی دور، کیلی فریگه → **شاپور عظیمی**

عالی:

★★★★

خیلی خوب:

★★★

خوب:

★★

متوسط:

★

ضعیف:

کارگردان:

پوران درخشنده

نویسنده:

پوران درخشنده

محمود آیدن

بازیگران:

اینتا بهرام

علیرضا خمسه

مهران احمدی

فرشته صدرعرفایی

آرمیتا مرادی...

خلاصه داستان:

کابوس شبانه ریحانه

صبح روز بعد با نیلمدن خانم معلم سر کلاس

آرام آرام به واقعیت تبدیل می‌شود.

سینما و زودشیفتگی

«زودشیفتگی» مقوله‌ای است که روزی روزگاری باید از سوی آنهایی که دستی در شناخت جامعه دارند به شدت مورد توجه واقع شود و به عنوان یک معضل جدی اجتماعی مورد کنش‌اکثر قرار گیرد. در موارد بسیاری وقتی محصول تازه‌ای به بازار عرضه می‌شود، شیفتگی‌هایی پیدا می‌شوند که در یک چشم به هم زدن آن محصول تازه را به مد بدل می‌کنند. به تدریج دیگران با این محصول جدید «همذات‌پنداری» کرده و از آن استفاده می‌کنند.این زودشیفتگی منحصر به کالاهای بازار نیست. در مواردی محصولات فرهنگی و هنری هم به چنین سرنوشتی دچار می‌شوند.اگر خواستید نمونه‌ای را ردیابی کنید، راه دوری نروید. کافی است نگاهی به گوشه خیابان یا سوپرمارکت‌ها بیندازید و ببینید چگونه مخاطبان دربه‌در دنبال قسمت جدیدی از این یا آن سریال هتنگی هستند که به بازار نمایش خانگی راه یافته است. همه جا صحبت از این یا آن سریالی است که سعی دارد دل مخاطب را به دست آورد. همه خیلی زود شیفته شده‌اند و تقریباً کسی تردیدی ندارد که با پایان یافتن این سریال‌ها خیلی زود همه چیز به دست فرواشی سپرده شود و روز از نو آغاز می‌شود.

عشق به سینما و فیلمسازی نیز یکی از مصادیق بارز زودشیفتگی است که پیر و جوان نمی‌شناسد. همه به سینما و فیلمسازی علاقه دارند. برخی اما راهشان را از بقیه سوا کرده و دل به ستاره شدن و بازیگری داده و در سودای چهره‌شدن هستند. نگاهی به صفحه نیازمندی‌های روزنامه‌های کثیرالانتشار بیندازید تا ببانید از چه سخن می‌گوییم.اما عشق به فیلمسازی و کارگردان شدن سودای دیگری دارد. کارگردان شدن آنقدر قوی هست که برخی را پای تلویزیون یا در سالن سینما به این صرافت می‌اندازد که پروند دنبال فیلمسازی و کارگردانی. اما به قول جناب حافظ همین جاهاست که می‌افتد مشکل‌ها. آنهایی که اندکی واقع‌بین‌تر هستند، می‌گردند تا ببینند کجا را می‌شود یافت که سینما را آموزش می‌دهند. آنها شهریه‌ای پرداخت کرده و سر کلاس‌های فیلمسازی می‌نشینند (این کلاس‌ها و نحوه آموزش سینما در آنها خودش یک پروژه است که باید روزی به آن نیز پرداخت) اما آنهایی که دوز زودشیفتگی در آنها بسیار بالاستص حوصله درس و کتاب را ندارند. حاکثر کاری که ممکن است بکنند این است که یکی دو کتاب آموزش کارگردانی را که جلوی دانشگاه می‌فروشند بخردند و برمد یادداشت و شروع به خواندن کنند. اما و باید بدانند این کتاب‌ها کارگردان تحویل نمی‌دهند. نویسندگان این جور کتاب‌ها تنها کاری که از دست‌شان برمی‌آید این است که الفبای کارگردانی را طوطی‌وار و پشت سر هم ردیف کنند. چیزی مثل کتاب‌های مکالمه انگلیسی در سفر یا چگونه در ۳۰ روز مدیر موفق شویم و این قبیل چیزها. آن عزیز زودشیفته ما اگر خیلی همت داشته باشد و به‌اصطلاح خوره سینما و کارگردان شدن باشد، خانه پرش می‌رود از خیابان جمهوری یکی از این دوربین‌های فیلمبرداری دیجیتالی را می‌خرد و می‌برد خانه و شروع می‌کند به کار عملی. در موارد بسیاری کار که پیش می‌رود و دشواری‌ها خودی نشان می‌دهند، خوشبختانه بسیاری از این زودشیفتگان عطای کارگردانی را به لغایش می‌بخشند و با دوربین‌شان فیلم‌های خانوادگی می‌گیرند و به تدریج سودای فیلمساز شدن از سرشان بیرون می‌رود. اما برخی دست‌بردار نیستند و می‌خواهند تا آخر خط را بروند. می‌خواهند کار عملی بکنند. پس کفش و کلاه می‌کنند و کم‌کم از اینجا و آنجا می‌شوند که هیچ جایی برای آموزش سینما بهتر از حضور در پشت صحنه فیلم‌ها نیست. پس شماره تلفن و آدرس دفترهای تولید فیلم به تدریج یافته می‌شود. عزم‌ها جزم می‌شود تا راهی به این دفترها باز شود. گاهی چنین می‌شود و گاهی هم نمی‌شود. داستان‌هایی در این میان اتفاق می‌افتد. گاهی برای حضور یک‌روزه در پشت صحنه یک فیلم که دوست‌دنگی‌هایی باید کرد، چه حرف‌هایی باید شنید. چه حرف‌هایی باید گفت. (یادمان باشد داریم از زودشیفتگی و بهای آن حرف می‌زنیم).

آنچه در نهایت ممکن است دست این عزیزان زودشیفته به فیلم و فیلمسازی را بگیرد، چه بسا ساختن یک دو فیلم کوتاه‌است که اگر طاس‌شان هم خوش بنشیند، چه بسا در نهایت به ساختن فیلم‌های ویدئویی موفق شوند. پرسش این است که ما تا چه اندازه حاضریم برای رویاهایمان هزینه کنیم و تا کجاها توان پیش رفتن داریم و کم نمی‌آوریم و رویامان را رها نمی‌کنیم؟ تاوان این زودشیفتگی را چقدر می‌توانیم بپردازیم؟ سینما همیشه برای زودشیفتگان جذابیت داشته و خواهد داشت. خامدستی است اگر فکر کنیم با نگارش وچیزه‌هایی مانند آنچه داریم می‌خوانید، می‌شود به کسی هشدار داد یا او را وادار به تغییر رویه کرد. از ازل زودشیفتگان بوده‌اند و تا ابد کسی پیدا می‌شود تا به آنها هشدار بدهد. تنها چیزی که در این میان شاید به کار بیاید و دلمان را خوش کند این است که شاید، شاید اگر کسی خواست از این مسیرهایی که اشاره کردیم سراغ سینما و فیلمسازی برود، ممکن است لغتی ببیندش. لغتی و نه بیشتر. همین راضی‌مان می‌کند.

سینمای ایران

اقتصاد فیلم کوتاه در سینمای ایران و جهان

چرخشی که نمی‌چرخد



دولت‌ها و نگاه حمایتگرانه به فیلم کوتاه و تجربی

اگر بر اساس یک تقسیم‌بندی ساده سینمای جهان را از لحاظ ماهیت اقتصادی به دو بخش خصوصی (استودیویی) و بخش دولتی تقسیم کنیم، فیلم کوتاه بیشترین سرمایه تولیدات خود را از طریق کمک‌های بخش دولتی به دست آورده است. دولت‌ها بر اساس برنامه‌های فرهنگی خود همیشه درصدد پوشش اقتصادی فعالیت‌های تجربی فیلمسازی هستند. بر این اساس تولید فیلم کوتاه به میزان چشمگیری وابسته به سیاست دولت‌هایی است سازوکار تولید فیلم کوتاه در کشورهای از که نگاه حمایتگرانه به فیلم کوتاه و تجربی دارند. در این راستا کشورهای که دارای برنامه‌های فرهنگی طولانی‌تر و آینده‌نگرتری هستند علاوه بر اختصاص هزینه سالیانه برای تولید فیلم کوتاه به راه‌اندازی سازوکارهای بروکراتیک و مدیریتی میانه (دولتی- خصوصی) برای این هدف، دست می‌زنند. سزانوکار تولید فیلم کوتاه در کشورهای از این نوع به یک حرکت هزینه‌بر تبدیل نشده، بلکه هزینه‌های اولیه صرف کشف و هدایت استعدادها می‌شود و هزینه‌های تولید اغلب از طریق عرضه‌های فرهنگی (جشنواره‌ها) و نمایش‌های تلویزیونی (شبکه‌های ماهواره‌ای) کسب می‌شود.

نقش دانشگاه‌ها در گسترش ایده‌های نو در بدنه تولید

موسسات دولتی- خصوصی فیلم کوتاه در کشورهایی چون فرانسه، لهستان، سوئد، آلمان و کانادا وابستگی عمیقی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی سینمایی در این کشورها دارند. دانشگاه‌ها نیروی انسانی مورد نیاز را تأمین می‌کنند و آموزش می‌دهند و از سوی دیگر موسسات تولید با جذب نیروهای علاقه‌مند و مستعد زمینه را برای گسترش محکم ایده‌های نو و خلاق در بدنه تولید فراهم می‌کنند. این نکته مهم را نباید فراموش کرد که موسسات تولید فیلم کوتاه بر اساس برنامه‌های فرهنگی ملی در کشورهای مختلف تا مدت‌زمان معینی به سرمایه دولتی وابسته هستند. مدیریت این موسسات وظیفه دارند تا پایان زمانی مشخص به استقلال مالی برسند. بر این اساس موسسات مالی فیلم کوتاه دارای نقش‌های گوناگونی می‌شوند.

کشف استعدادهای جوان به شبکه‌های تلویزیون، تولید برنامه‌های تلویزیونی که ذات تجربه‌گر دارند (ویدئوکلپ‌ها و فیلم‌های تجربی) و ارتباط گسترده با استودیوهای تولید فیلم‌های بلند جهت تأمین ایده‌ها و نیروی انسانی جوان و تازه‌نفس از جمله فعالیت‌های موسسات تولید فیلم در کشورهای صاحب سبک در زمینه فیلم کوتاه است. نحوه نظارت دولت بر این موسسات غیرمستقیم و در پایان دوره‌های مختلف کاری است. دولت‌ها سعی می‌کنند روی نتایج فعالیت این موسسات متمرکز شوند و آنها را مورد تجزیه و تحلیل و ارزشگذاری قرار دهند. در این راستا سینمای این کشورها به دو هدف مشخص و معین ناثل می‌شود: هدف اول جذب نیروی جوان و هدف دوم تولید مستمر فیلم کوتاه است. از دستیابی به این اهداف سینمای این کشورها به معدن ایده‌ها و تجربه‌های خلاق نیز تبدیل می‌شود.

روش‌های جدیدی در تولید و سرمایه‌گذاری فیلم کوتاه

طی دو دهه اخیر پدیده سینمای دیجیتال که ماهیتا سینمای ارزان‌قیمت و در دسترس همگان است تا حدودی فعالیت این گونه موسسات را تحت تأثیر خود قرار داده، به طوری که دیگر فقط موسسات و نهادهای آموزشی محل روبرویی با نیروهای تازه‌نفس نیست. موسسات فیلم کوتاه در جهان پس از ظهور پدیده سینمای دیجیتال مجبور به انعطاف بیشتری شده‌اند. این انعطاف هم در زمینه سرمایه‌گذاری و هم در زمینه شناخت استعدادها منجر به پیدایش روش‌های جدیدی در

●.....→ **یحیی نظری** ●.....

در حاشیه فیلم «لطفاً مزاحم نشوید»

تلاش ناکام برای حفظ آرامش در دل شهری شلوغ

باز هم با اکران ملک سلیمان همزمان شده تا این بار وضعیت نابرابری که گریبانگیر فیلم‌های ایرانی به نمایش عمومی است با وضوح بیشتری به چشم بیاید. درست در همان زمانی که فیلمبرداری لطفاً اهلی رسانه را سر برده و بسیاری را به شهرستان تماشای یک فیلم خوب و تماشایی نامید کرده بود، اما وقتی نوبت به لطفاً مزاحم نشنود رسید اعتبار عبدالوهاب و همکاری‌های خاطره‌انگیزش با رخشان بنی‌اعتماد به خصوص در گیلان و خون‌بازای منتقدان کجسکوار را به سالن اصلی کسانان تا بدبینی را کنار بگذارند و خود را برای تماشای اولین تجربه مستقل عبدالوهاب در مقام کارگردان آماده کنند. گرچه لطفاً مزاحم نشنود با استقبال نسبی منتقدان مواجه شد اما تعریف و تمجیدهای آنها در سایه حواشی ملک سلیمان و جنجال‌های زمهریر که در آخرین سانس همان روز به نمایش درآمد کم شد تا شرایط به نحوی رقم بخورد که فیلم عبدالوهاب در روزهای شلوغ و پرتراکم جشنواره چندان به چشم نیاید.

جالب است که بعد از گذشت چند ماه اکران فیلم کم‌هزینه و مهجور لطفاً مزاحم نشنود در سینماها

سال پنجم ■ شماره ۱۱۲۳ ■ دوشنبه ۸ آذر ۱۳۸۹

●.....→ **شیخ و ابریشم** ●.....

عالی:

★★★★

خیلی خوب:

★★★

خوب:

★★

متوسط:

★

ضعیف:

کارگردان:

پوران درخشنده

نویسنده:

پوران درخشنده

محمود آیدن

بازیگران:

اینتا بهرام

علیرضا خمسه

مهران احمدی

فرشته صدرعرفایی

آرمیتا مرادی...

خلاصه داستان:

کابوس شبانه ریحانه

صبح روز بعد با نیلمدن خانم معلم سر کلاس

آرام آرام به واقعیت تبدیل می‌شود.



اقتصادی هستند و همین دلیل مهم‌ترین علت عدم حضور بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری تولید در فیلم کوتاه است.

دوره دوم تولید فیلم کوتاه از میانه‌های دهه ۷۰ با افزایش لوازم و ابزار ویدئویی و سپس دیجیتالی آغاز می‌شود. در این دوره با استرسی آسان‌تر فیلمسازان به لوازم و مواد خام، تولیدات ارزان‌قیمت و کمتر تجربی کوتاه به آرامی رو به افزایش می‌گذارند، به طوری که در اوایل دهه ۷۰ میزان تولیدات این گونه گوی سبقت را در کمیت تولید از بخش دولتی می‌رباید. نفس سرمایه‌گذاری شخصی در تولیدات این دوره از لحاظ سرمایه‌گذاری توجیه اقتصادی دیگر گونی نیز به وجود آورده است. سرمایه‌گذار این گونه فیلم‌ها که اغلب خود فیلمساز است با هدف زمینه‌سازی برای حضور در سینمای حرفه‌ای دست به تولید فیلم کوتاه می‌زند. او سرمایه خود را هر چند اندک صرف تولید فیلم کوتاه می‌کند تا به عنوان سند احاطه‌اش بر ابزار سینما به تهیه‌کنندگان و دست‌اندرکاران سینمای حرفه‌ای عرضه کند. این توجیه اقتصادی سازگارترین روش برای جذب سرمایه در دوره جدید تولید فیلم کوتاه محسوب می‌شود. در طول چند سال اخیر همچنین فعالیت‌هایی از سوی نهادهای دولتی و خصوصی به شکل پراکنده و نامهاهنگ برای عرضه بین‌المللی و فروش فیلم‌های کوتاه ایرانی انجام شد که نتایج اقتصادی بسیار ضعیفی به همراه داشت. بازگشت سرمایه از این روش‌ها، در مقابل میزان رو به گسترش تولید فیلم کوتاه آنقدر اندک است که می‌توان به راحتی از آن گذشت. در دنیای کنونی هیچ حرکت فرهنگی به سرمنزل مقصود واقعی خود نمی‌رسد، مگر آنکه دارای چرخه اقتصادی قابل توجیه باشد. این چرخه اقتصادی قابل توجیه حاصل گرش‌ها و روش‌هایی است که کالای فرهنگی را به مقصد نهایی آن یعنی مخاطب می‌رساند. در این راستا فیلم کوتاه در ایران در یک بن‌بست اقتصادی نفس می‌کشد. فیلم کوتاه کالای فرهنگی است که دارای مشخص

فیلم کوتاه مانند داستان کوتاه، مانند فیلم بلند و مانند مجموعه تلویزیونی باید به مخاطب خود عرضه شود. مخاطبان اندک این کالای فرهنگی آنقدر هستند که با پرداخت هزینه‌های تماشای این آثار هزینه‌های اندک حرکت قابل توجیه چرخه فیلم کوتاه تأمین شود. تولید فیلم کوتاه فقط بخش کوچکی از کل ماجراست. از سوی دیگر است. فیلم کوتاه مانند داستان کوتاه، مانند فیلم بلند و مانند مجموعه تلویزیونی باید به مخاطب خود عرضه شود. مخاطبان اندک این کالای فرهنگی آنقدر هستند که با پرداخت هزینه‌های تماشای این روابط اقتصادی - فرهنگی با دنیای پیرامون از یک سو و گسترش توانایی‌های رسانه‌ای در جذب مخاطبان و خریداران از سوی دیگر است. فیلم کوتاه مانند داستان کوتاه، مانند فیلم بلند و مانند مجموعه تلویزیونی باید به مخاطب خود عرضه شود. مخاطبان اندک این کالای فرهنگی آنقدر هستند که با پرداخت هزینه‌های تماشای این روابط اقتصادی - فرهنگی با دنیای پیرامون از یک سو و گسترش توانایی‌های رسانه‌ای در جذب مخاطبان و خریداران از سوی دیگر است. فیلم کوتاه مانند داستان کوتاه، مانند فیلم بلند و مانند مجموعه تلویزیونی باید به مخاطب خود عرضه شود. مخاطبان اندک این کالای فرهنگی آنقدر هستند که با پرداخت هزینه‌های تماشای این روابط اقتصادی - فرهنگی با دنیای پیرامون از یک سو و گسترش توانایی‌های رسانه‌ای در جذب مخاطبان و خریداران از سوی دیگر است.

اما واقعیت این است که فقدان یک حلقه واسط مستحکم میان اپیزودها بخش‌های سه‌گانه فیلم را به تکه‌هایی چندپاره تبدیل کرده که به‌رغم اشتراک مفهونی کمرنگ‌شان کم‌اکان به شکل اپیزودهایی منفرد و مجزا دیده می‌شوند. زندگی روزمره آشفته طبقه متوسط که در این سه اپیزود به تصویر کشیده می‌شود تنها در صورتی می‌توانست به تأثیرگذاری فراگیرتر برسد که فیلمساز با استفاده از شوگردهای روایی و داستانی ارتباط میان آنها را پررنگ‌تر می‌کرد تا اپیزودها برخلاف شکل فعلی، یک کل منسجم و جزیی از پیکره تکامل‌یافته یک فیلم بلند به حساب می‌آمدند. وقتی نویسنده و کارگردان آگاهانه فقط به نمایش برش‌شهایی از زندگی روزمره اکتفا می‌کنند و آنها را صرفاً در کنار هم قرار می‌دهند فیلم خود را به اثری تبدیل می‌کند که در تأثیرگذاری دراماتیک بر مخاطب خود ناکام می‌ماند و صرفاً با شوخی‌های کلامی و طنز برخاسته از کم‌دی موقعیت کار خود را منتهی می‌شود. قاعداً در این میان محضران اپیزود دوم و زوج سالخورده اپیزود سوم به دلیل جایگاه محکم و ابزوردشان بیشتر جذاب شده‌اند و مخاطب را بیشتر می‌خندانند.

موسسه سینمای آزاد و انجمن سینمای جوانان ایران حضور دارد. آموزش، تأمین لوازم و عرضه فرهنگی فیلم کوتاه در این زمان بر عهده دولت است. بخش خصوصی در این سال‌ها هیچ نقش تأثیرگذاری در تأمین سرمایه تولیدات فیلم کوتاه ندارد. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان یکی دیگر از موسسات دولتی در طول این سال‌ها در راستای تولید فیلم‌های انیمیشن و کوتاه برای کودکان، دیگر نهاد سرمایه‌گذار در این راستا محسوب می‌شود.

آنچه در این دوره، سرمایه‌گذاری در بخش فیلم کوتاه را به شدت در بخش دولتی باقی نگه می‌دارد بی‌ست عرضه تجاری فیلم‌های کوتاه است. فیلم‌های کوتاه هشت میلیمتری، ۱۶ میلیمتری و ۳۵ میلیمتری تولیدشده در این سال‌ها فقط در راستای اهداف حمایتی دولت از جوانان به سرمایه‌گذاری در تولید فیلم کوتاه تولید می‌شوند. سرنوشت اقتصادی این تولیدات به خاطر بی‌توجهی به حفظ افزایش اصل سرمایه، سرنوشتی غیر قابل توجیه از منظر خود ادامه می‌دهند.

پیش‌های گیتاه → **امیرعلی نراقی** ●.....

به شکل گسترده‌ای احساس می‌شود. این ضعف در کنار عدم توسعه تلویزیونی از نگرش به فیلم کوتاه در زمینه اقتصادی در داخل مزید بر علت می‌شود تا همچنان فیلم کوتاه چه در حیطه سرمایه‌گذاری، چه در بخش جذب مخاطب در سودآوری در انتهای یک بن‌بست به حیات خود ادامه بدهد. تصحیح نگرش به فیلم کوتاه از منظر اقتصادی نیازمند بررسی دقیق شرایط اقتصادی کشور در حیطه‌های فرهنگی و سینماست. این شرایط حاصل حضور سهمگین دولت در همه زمینه‌هاست که به بهانه نظارت، همه چیز را به خود و سرمایه‌های خود معطوف می‌کند. از سوی دیگر نباید فراموش کنیم که داشتن یک مجموعه کارآمد اقتصادی و دارای ساز و کار هدفمند در حیطه فیلم کوتاه نیازمند بسترسازی در روابط اقتصادی - فرهنگی با دنیای پیرامون از یک سو و گسترش توانایی‌های رسانه‌ای در جذب مخاطبان و خریداران از سوی دیگر است.

فیلم کوتاه مانند داستان کوتاه، مانند فیلم بلند و مانند مجموعه تلویزیونی باید به مخاطب خود عرضه شود. مخاطبان اندک این کالای فرهنگی آنقدر هستند که با پرداخت هزینه‌های تماشای این روابط اقتصادی - فرهنگی با دنیای پیرامون از یک سو و گسترش توانایی‌های رسانه‌ای در جذب مخاطبان و خریداران از سوی دیگر است.

اما واقعیت این است که فقدان یک حلقه واسط مستحکم میان اپیزودها بخش‌های سه‌گانه فیلم را به تکه‌هایی چندپاره تبدیل کرده که به‌رغم اشتراک مفهونی کمرنگ‌شان کم‌اکان به شکل اپیزودهایی منفرد و مجزا دیده می‌شوند. زندگی روزمره آشفته طبقه متوسط که در این سه اپیزود به تصویر کشیده می‌شود تنها در صورتی می‌توانست به تأثیرگذاری فراگیرتر برسد که فیلمساز با استفاده از شوگردهای روایی و داستانی ارتباط میان آنها را پررنگ‌تر می‌کرد تا اپیزودها برخلاف شکل فعلی، یک کل منسجم و جزیی از پیکره تکامل‌یافته یک فیلم بلند به حساب می‌آمدند. وقتی نویسنده و کارگردان آگاهانه فقط به نمایش برش‌شهایی از زندگی روزمره اکتفا می‌کنند و آنها را صرفاً در کنار هم قرار می‌دهند فیلم خود را به اثری تبدیل می‌کند که در تأثیرگذاری دراماتیک بر مخاطب خود ناکام می‌ماند و صرفاً با شوخی‌های کلامی و طنز برخاسته از کم‌دی موقعیت کار خود را منتهی می‌شود. قاعداً در این میان محضران اپیزود دوم و زوج سالخورده اپیزود سوم به دلیل جایگاه محکم و ابزوردشان بیشتر جذاب شده‌اند و مخاطب را بیشتر می‌خندانند.

با یک لحن جدی‌تر به این مضمون محوری بپردازد و مخاطب خود باج نمی‌دهد.